

گفت‌وگو روز



صلاح فحص، نماینده جنبش امل در تهران در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد:

گفت‌وگو میان ایران و عربستان بسیار به نفع لبنان است

قانون انتخابات است اما این قانون که یک نماینده ۵۰۰ و نماینده دیگر ۴۰ هزار رأی وارد پارلمان شود عادلانه نیست؛ مگر همه مردم لبنان یکی نیستند؟! جنبش امل از ابتدای قانون را قبول نداشت اما به این علت که باقی با این قانون موافق بودند امل هم تن داد.

**■ لیست ۱۲۸ نفره یعنی همه مردم لبنان بتوانند به کل اعضای پارلمان رای دهند، نه تنها نمایندگان متعلق به دین و مذهب خودشان و این خلاف نظام سیاسی امروز لبنان است.**

مشکل لبنان طایفه‌گرایی است، امام موسی صدر می‌گفت «طوایف نعمت اما طایفه‌گرایی نعمت است.» زمانی کشور ما روی آرمش خواهد دید و عدالت برقرار خواهد شد که همه یکسان باشیم به این معنا که دیگر نه رئیس جمهور ما رونی، نه نخست‌وزیر سنی و نه رئیس پارلمان از ما شیعه باشد. نباید برای استخدام به دین نگاه کنیم و نباید منافع طایفه را به منفعت ملی ترجیح دهیم.

**■ پیروزی این انتخابات کیست؟ اگر فراکسیون حامیان مقاومت اکثریت خود را از دست داده به معنای پیروزی ۱۴ مارس است؟**

معتقدم کسی پیروز انتخابات نیست و مردم رأی داده‌اند و این نظر مردم است و پیروز و شکست خورده وجود ندارد و فقط باید به رأی مردم احترام بگذاریم اما باز هم تکرار می‌کنم که این قانون انتخابات عادلانه نیست، ممکن است ائتلاف امل و حزب‌الله و حامیان شان اکثریت را به دست نیاورده باشند اما این راه منظر داشته باشد که انتخابات لبنان تنها یک انتخابات برای مردم لبنان نیست و گویی در بسیاری از کشورهای همسایه و جهان هم انتخابات در حال برگزاری بود. لبنان کشور کوچک با اهمیت جهانی است، هدف اصلی بسیاری از بازیگران خارجی هم هدف قرار دادن مقاومت است و می‌گویند دوران مقاومت تمام شده و زمان زمان عادی‌سازی روابط با اسرائیل است. به نظر من اگر الان قانون انتخابات، قانونی عادلانه باشد طرفداران امل و حزب‌الله چیزی بالاتر از اکثریت را به دست خواهند آورد.



بدیهی است که شرایط جهان و روابط بین‌الملل هیچ‌گاه روابط ثابت و استاتیکی نیست و پویایی در معادلات بین‌المللی باقی‌همه و واجد فرصت است و هم تهدید. در موضوع مذاکرات احیای برجام که از کمی پس از به قدرت رسیدن دولت جو بایدن در واشنگتن آغاز شده و قال و مقال پیرامون آن در صحنه سیاست داخلی کشور هم کم نیست نیز موضوع پویایی معادلات بین‌المللی به خوبی قابل‌رصد کردن است؛ واقعیت این است که در سال گذشته روند احیای برجام تا حدی از معادلات سیاست داخلی متأثر شد. پس از پایان دور هفتم مذاکرات که به نظر دلسردکننده می‌رسید، روند مثبتی در وین آغاز شد. بیش از هر کس در این میان البته میخائیل لویانوف بود که به عنوان تلویحی میانجی میان ایران و ایالات متحده با لحنی مطمئن از پیشرفت و در دسترس بودن نتیجه مذاکرات سخن می‌گفت. البته لاقلاً و احتمالاً در همان اثنای می‌دانست که به زودی معادلات دیگری ر روابط بین‌الملل حکمفرما شده و مذاکرات احیای برجام راهم تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.

در پایان سال شمسی وقتی فضا به سمت حمله روسیه به اوکراین پیش می‌رفت هشدار تحلیلگران نو عا بر این مدار بود که ممکن است این معادلات جدید موضوع را به کلی متغی کرده یا لاقلاً هزینه احیای برجام را بالا ببرد و بهتر است پیش از تغییر رویکرد قطر شکل‌دهی موضوع به سمت نهایی کردن مذاکرات و نتیجه‌گیری از آن باشیم.

به هر حال از آنجا که در سیاست‌های رسمی و واقعی جمهوری اسلامی ایران ساخت سلاح هسته‌ای از نظر سیاسی و فقهی رد شده و حتی این موضوع بارها توسط آژانس مورد تأیید قرار گرفته است، بر واضح است که قرار است تکنولوژی هسته‌ای جنبه توسعه‌ای برای کشور نداشته باشد و بنابراین خود نباید به امری ضد توسعه بدل شود.

اینکه ما از مذاکرات احیای برجام به دنبال چه منفعی هستیم را می‌توان به شکل زیر فهرست کرد:

■ تثبیت موضع اقتدار سیاسی و برتری حقوقی ایران در مورد پایبندی به برجام.

■ عدم بروز فشار حقوقی و سیاسی بین‌المللی از جانب جامعه بین‌المللی و به خصوص نهادهایی نظیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل متحد و عوض شدن مقصر موضوع، به عدم اجازه اجماع‌سازی بین‌المللی دولت بایدن علیه ایران.

■ نفوذ تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده که البته تقریباً همگان عملاً در تنگنای رعایت آنها هستند.

■ تثبیت اجرای برجام و هنجار شدن آن.

■ عادی‌سازی معادلات حاکم بر روابط تجاری و غیره با ایران.

■ توسعه صنعت نفت و میعانات و به خصوص نگاه‌میان‌مدت برای توسعه صادرات گاز.

■ زمینه‌سازی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و درگیر کردن منافع شرکت‌ها و کشورهای مختلف در ایران که طبیعتاً وارد فضای احیای هیچ توافق آغاز نمی‌شود و نیاز به زمانی برای عادی‌سازی صحنه دارد.

■ عادی‌شدن روابط بانکی و مالی ایران.

■ ورود تکنولوژی‌های برتر به خصوص از طرف چین و اروپا به ایران.

■ البته نکته بسیار قابل‌تأمل این است که در معادلات سیاسی فضا سازی و اجده اهمیت بالایی است و در ارزیابی نتیجه یک توافق نباید رویکردی مکانیکی اتخاذ کرد.

اینکه یک کشور یا موضوع از صدر اخبار و اولویت‌ها خارج شود و همکاری با آن کشور دیگر هر اسناک نباشد برای قابل‌تنهایی می‌سوزد و در نتیجه در حال حاضر اسامی مطرح نمی‌شود.

■ گفته می‌شود که لبنان بیش از هر زمان دیگری به توافق باز یگران خارجی نیاز دارد. این گزاره در مورد شرایط امروز صادق است؟

این مسأله هم ناشی از همین طایفه‌گرایی است که هر طایفه‌ای خود را وابسته به یک قدرت خارجی می‌داند و مشکل اصلی ما همین است که هر کشوری هم‌منافع همان منطقه گر خورده است؛ وقتی در سوریه، فلسطین و یمن تنش وجود داشته باشد در لبنان هم تنش شکل می‌گیرد. هر چه گفت و گو در منطقه بیشتر شود به نفع لبنان است. مخصوصاً گفت‌وگو میان ایران و عربستان بسیار به نفع لبنان است. ایران و عربستان سعودی به توافق برسد در لبنان هم توافق در دسترس است.

■ اشاره کردید که نتیجه بر همه را به گفت‌وگو فراخوانده است. فکر می‌کنید ۱۴ مارس از گفت‌وگو استقبال کند؟ آیا حالا که مدعی اکثریت هستید نمی‌خواهید بکنایه گفتی؟

در لبنان از ۲۰ سال قبل و بعد از شهادت رفیق حریری اکثریت به دست ۱۴ مارس بوده است، آیا توانستند به تنهایی امور را اداره کنند؟ خیر. آیا بعد از ۲۰۱۸ که اکثریت با ما بود توانستیم بدون توافق کاری از پیش ببریم؟ خیر. همه تصمیم‌ها در لبنان باید با توافق انجام شود. اگر نمایندگان شیعه پارلمان را ترک کنند آیا پارلمان امکان تصمیم‌گیری دارد؟ باید با هم کنار بیایند تا بتوانند دولت تشکیل دهند. مگر زمانی که اکثریت با ما بود توانستیم بدون نظر دیگران دولت تشکیل دهیم؟ مگر سعید حریری و نجیب میقاتی نیروی ما صلاح مقاومت است. برخی لبنانی‌ها نمی‌دانند به دنبال چه هستند و شاید می‌خواهند این کشور نابود شود.

■ لبنان روزهای سرنوشته‌سازی را در پیش دارد، ارزیابی شما از روزها و ماه‌های آینده چیست؟

روزهای سختی پیش روی لبنان است؛ اولین گام انتخاب راکن پارلمان است و این بروسه را ۱۵ روزه باشد. آقای بری روز سه‌شنبه گفت باید با هم گفت‌وگو کنیم و با هم

نگاهی به مذاکرات وین در سایه حمله روسیه به اوکراین

دُر غلطان و آب نبات چوبی



ساسان کریمی

زمینه‌ساز به وجود آمدن نتایج ملموس و سخت‌تر شدن فشار بر این کشور است؛ امری که به مرور و در میان مدت قابل حصول است و نه بلافاصله پس از یک توافق، چرا که رویکرد کارآمد در روابط بین‌الملل رویکردی سیاسی است و نه حقوقی. به بیان دیگر حتی با برداشته شدن تمام محدودیت‌ها و تحریم‌ها هم هیچ‌بانک یا شرکتی برای کار با سرمایه‌گذاری در ایران «لازم‌الاجرا» ندارد، بلکه وقتی به این امر مبادرت خواهد کرد که او لاجلاس کند و اوضاع به قدر کفایت عادی، با ثبات و کم‌ریسک شده و ثانیاً این کار سرمایه‌گذاری برای او سودآور خواهد بود.

اما پس از آغاز حمله روسیه به اوکراین و پرتنگ شدن عملی اختلافات بین روسیه و غرب گرچه تا مدتی حتی مذاکرات به‌طور مشکلی ادامه داشت، اما واقعیت آن بود که دیگر انگیزه لازم برای احیای برجام از میان رفته و معادلات تحت تأثیر جنگ تازه روسیه و اوکراین قرار گرفته بود.

اما از منظر منافع ملی باید دانست که صرف فروش نیم یا یک‌سوم از سهمیه ایران در اوپک در سایه جنگ اوکراین حتی در صورتی‌وجه آن نیز دریافت‌شود ستانوار بزرگی نیست. در کنار این البته باید گفت که جنگ اوکراین و تخصص میان روسیه و غرب ایران را فعلاً در حاشیه امنی نسبت به تعاقبات حقوقی عدم احیای برجام در آژانس و شورای امنیت قرار داده است؛ هم اجماع غرب نمی‌تواند به سبب قتل دل روسیه را علیه ایران به دست آورد و هم اساساً غرب در شرایط حاضر مراقبت بیشتر از مواضع خود به خرج می‌دهد که احیاناً ایران را بیش از پیش به روسیه نزدیک کند. باید گفت که این دو امتیاز (فروش حداقلی نفت و میعانات و دور شدن موقتی تهدیدات حقوقی) همان ابیات در مقابل دُر گرانی هستند که فهرست مصادیقش را در فوق ذکر کردیم. با یک نگاه راهبردی و بلندمدت می‌توان این‌طور جمع‌بندی کرد که ثبات و گسترش گشایش‌ها در فضای سیاسی، اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری و در راس همه خروج از وضع تعلیق احیای برجام با عدم آن اولویت بیشتری از آن دارند که بتوان به شرایط حاضر دل خوش کرد. از سوی دیگر موقعیت‌های احتمالی که در صورت احیای برجام و در میان مدت عادی شدن فضای مناسبات با ایران برای ما به وجود می‌آیند، می‌توانند بسیاری از هزینه‌هایی را که ما در ۱۰ سال گذشته در موضوع هسته‌ای متحمل شده‌ایم، جبران کنند. اگر بتوان از اختلاف ناشی‌شده بین غرب و روسیه استفاده کرد و زمینه صادرات انرژی و به خصوص گاز را به‌طور بانباتی با اروپا فراهم آورد، امنیت انرژی در اروپا به نفع ایران گره زده شده و از قضا این همان تضمینی است که می‌توان در واقعیت برای ثبات قرار دادها و وضعیت سیاست خارجی کشور دنبال کرد.

حتی روابط و شرکات سیاسی با کشوری مانند روسیه نیز وقتی کیفی‌تر و سودآور تر خواهد بود که طرف مقابل دست کشور را در روابط خارجی اش خالی و خود را به رقیب فرض نکند و بنابراین ارایه امتیاز به ایران برای او توجیه عملی پیدا کند. گویی که شرکات استراتژیک وقتی معنادار تر است که منافع راهبردی (نظامی، ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، انرژی و غیره) دو کشور به وضوح هم‌راستا باشند؛ امری که از اقتضای طبیعت، جغرافیا و ذخایر انرژی ایران و روسیه بدواً به ذهن متبادر نمی‌شود و بیشتر بر مبنای سوداگر این دو کشور ذاتاً رقیب یکدیگر نباشند؛ لاقلاً شرکات راهبردی شان بیشتر عملی‌تر یک «تصمیم» است تا واقعیت‌های طبیعی و مبتنی‌الارض؛ امری که باید هم‌زمان با این نکته مدنظر شود که ممکن است معنای این شرکات برای راهبردی در دو سوی محور، یعنی در ذهن ایرانیان و روس‌ها، متفاوت باشد و هم بوده و این البته شایسته توجه است.

■ دانش آموخته دکتری فلسفه (سیاسی) در دانشگاه تهران

برجام

هشدار اروپایی‌ها درباره فرجام مذاکرات وین

ایران و امریکا در مسیرهای متفاوتی گام برمی‌دارند

چشم‌انداز نگاه کنی‌داماژمادلیلی برای خوشبینی بیش از حد نمی‌شود. «یکی دیگر از کارشناسی که در جریان ارزیابی‌های مورا در ایران قرار گرفته است، در خصوص برآیند این مذاکرات در ایران می‌گوید که پیشرفت چندانی نداشته‌است. «کلسی دانپورت»، مدیر سیاست عدم اشاعه در انجمن کنترل تسلیحات و وبگاه دیپلمات در خصوص برنامه غنی‌سازی ایران گفت: «این خطر وجود دارد که برنامه غنی‌سازی ایران به نقطه‌ای پیشرفت کند که زمان گریز از غیرقابل‌تخصیص باشد. ایران می‌تواند به سمت دستیابی به مواد مورد نیاز برای ساخت بمب در فواصل بازرسی‌های آژانس حرکت کند و این در حقیقت تهدید اشاعه را افزایش می‌دهد. فکرمی‌کنم که بعید است که ایران به سمت ساخت سلاح‌های هسته‌ای حرکت کند اما ایالات متحده و امریکا احتمالاً تمایل ندارند که با خطر زندگی کنند.» براساس گزارش وبگاه دیپلمات، مقام‌های فعلی و سابق اروپایی نگرانی زیادی دارند که دولت بایدن به خاطر مسأله خارج کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از لیست سازمان‌های تروریستی، اجازه شکست سازمان‌های تروریستی را در وین را بدهد. براساس این گزارش، سولانا و بیلت در یادداشت خود در روزنامه واشنگتن‌پست در این خصوص تأکید کردند که مسأله قرارگیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی «تأحد زیادی یک اقدام نامدین است که هم‌تباط کمی با هیچ‌ارتباطی با جلال بر سر برنامه هسته‌ای ایران ندارد، بنابراین عجیب است که بایدن پس از آنکه با وده بازگشت به توافق هسته‌ای و «بازگشت امریکا» روی کار آمد، هم‌اکنون در پیشبرد دیپلماسی که هم‌میعانات ایالات متحده قوی‌از آن حمایت می‌کنند، کند پیش می‌رود.»

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام

برجام